

مسائل صلح

«صلح» آن است که انسان با دیگری توافق کند که مقداری از مال یا سود مال خود را ملک او کند، یا از طلب یا حق خود بگذرد تا او هم مقداری از مال یا سود مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب و حق خود بگذرد، بلکه اگر بدون آنکه عوضی بگیرد مقداری از مال یا منفعت مال خود را به کسی واگذار کند، یا به عنوان صلح از طلب یا حق خود بگذرد و طرف هم قبول کند صلح صحیح است.

(مسئله ۱) صلح عقد مستقلی است و احکام مخصوص به خود را دارد، هر چند بر حسب موارد مختلف فایده فروش یا هبه یا ابراء یا اجاره و یا عاریه بر آن مترتب شود.

(مسئله ۲) صلح صیغه مخصوصی ندارد و با هر زبانی مقصود خود را بفهمانند کافی است.

(مسئله ۳) در دو طرف صلح «بلوغ»، «عقل»، «اختیار»، «قصد» و «سفيه نبودن» شرط است، پس صلح نابالغ یا دیوانه یا کسی که از روی ناچاری صلح می کند یا قصد صلح ندارد و یا کسی که اموالش را در کارهای بیهوده مصرف می کند صحیح نیست، همچنین حاکم شرع نباید آنان را از تصرف در اموالشان منع کرده باشد.

(مسئله ۴) اگر انسان مقدار بدهی خود را بداند و طلبکار او نداند، چنانچه طلبکار طلب خود را به کمتر از مقداری که هست صلح کند، مثلاً ده هزار تومان طلبکار باشد و طلب خود را پنج هزار تومان صلح نماید، زیادی برای بدهکار حلال نیست، مگر آنکه مقدار بدهی خود را به او بگوید و او را راضی کند، یا به گونه ای باشد که اگر می دانست باز هم به آن مقدار صلح می کرد؛ یعنی زیادی را گذشت می نمود.

(مسئله ۵) مصالحه دو چیزی که از یک جنسند و وزن آنها معلوم است در صورتی صحیح است که وزن یکی از دیگری بیشتر نباشد و اگر وزن آنها معلوم نیست و احتمال زیادتر بودن یکی از دیگری باشد، صحت صلح آنها محل اشکال است.

(مسئله ۶) اگر از کسی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد، چنانچه طلب خود را به مقدار کمتری قبول کند و مقصودش این باشد که مقداری از طلب خود را گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد.

(مسئله ۷) صلح، عقدی است لازم، پس اگر دو نفر با هم صلح کنند هیچ کدام نمی توانند آن را به هم بزنند مگر با رضایت یکدیگر. همچنین اگر در ضمن معامله برای هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را قرار دهند، کسی که آن حق را دارد می تواند صلح را به هم بزند.

(مسئله ۸) اگر چیزی را که به صلح گرفته معیوب باشد می تواند صلح را به هم بزند، ولی گرفتن تفاوت قیمت صحیح و معیوب محل اشکال است.

(مسأله ۹) هر گاه مال خود را به کسی صلح کند و با او شرط نماید که پس از مرگ چیزی را که به او صلح کرده وقف نماید و او هم این شرط را قبول کند، باید به شرط خود عمل نماید.

(مسأله ۱۰) اگر زن مهریه خود را به شوهر صلح کند تا در مقابل او همسر دیگری اختیار نکند و شوهر هم قبول نماید، احتیاط واجب آن است که زن مهریه را نگیرد و شوهر هم با زن دیگری ازدواج نکند، مگر اینکه با رضایت یکدیگر صلح انجام گرفته را به هم بزنند.